

گنر

مدیرعامل بپژو:

ایران فرصتی واقعی برای پژواست

● **فارس:** مدیرعامل شرکت خودروسازی «پژو» فرانسه، ایران را «فرصتی واقعی» برای این شرکت فرانسوی خوانده است.
«ماکسیم بیگا»، گفته این شرکت فرانسوی سالانه ۴۰۰ هزار دستگاه خودرو به ایران می‌فروخته است. این مدیر شرکت پژو اضافه کرده ایران پس از پایان مذاکرات جاری برای رفع تحریم‌ها می‌تواند بار دیگر به بازاری خوب برای پژو تبدیل شود. وی گفت: «این برای ما یک فرصت واقعی است چون پژو را برند قدرتمندی در آنجا برخوردار است.»
«بیگا» در پاسخ به سوّالی درباره میزان آمادگی طرف ایرانی برای تعامل با پژو پس از توافق‌نامه احتمالی هسته‌ای، گفت: «ما هر هفته با شریکان ایرانی خود درباره نحوه آغاز همکاری بعد از رفع تحریم‌ها و زمان آن صحبت می‌کنیم».

ادامه از صفحه اول

توصیه‌ای به‌ظاهر پرخطر

می‌شود این‌طور نتیجه گرفت که دولت یازدهم برای به‌دست‌آوردن اکثریت مجلس باید به نمایش‌های جذاب و شاید رادیکال‌ر وی بیاورد؛ همان کاری که احمدی‌نژاد کرد و می‌کند. اما برعکس، واقعیت این است که استعاره اعتدال و اصولا استعاره دولت‌های استعاری به‌دشواری تغییر می‌کند و در اذهان مردم باورپذیر می‌شود. پس دولت باید همان اعتدالی باقی بماند. اما لزومی ندارد همه را معتدل کند. شاید بشود از ائتلاف دولت اعتدالی با اصولگرایان و اصلاح‌طلبان معتدل، دولت آramی را سامان داد اما نمی‌شود این اندیشه را به همه‌جا به‌خصوص مجلس تسری داد. با صراحت باید گفت، مجلس با اکثریت نمایندگان اعتدال‌گرا مطلوب نیست. واقعیت این است که همه وجوه سیاست با اعتدال و علانیت پیش نمی‌رود. اگر این‌گونه بود که هرگز چالشی به وجود نمی‌آمد. با ائتلاف اعتدال‌گرایان و اصولگرایان و اصلاح‌طلبان معتدل در مجلس، سیاستی خلق نمی‌شود اگرچه شرایط برای شکل‌گیری چنین ائتلافی کلا مهیاست. بعید است اصلاح‌طلبان اکثریت مجلس را به‌دست آورند با اینکه تفکر آنان هنوز زنده است و در زیر پوست جامعه نقشی می‌کنند اما به‌لحاظ عددی نماینده‌ای ندارند که تفکرات و مطالبات آنها را پیگیری کند. البته این را هم می‌توان از خوش‌اقبالی دولت یازدهم دانست. با فرض اکثریتی بودن اصلاح‌طلبان در مجلس، تضادی آشکار بین آنها و دولت به وجود می‌آید. اصلاح‌طلبان ناچارند حرف‌ها و مطالبات و شعارهایی را که در گذشته داده‌اند، در فضایی دیگر اجرایی و عملیاتی کنند و با دست‌زدن به این کار دولت را به‌دنبال خود خواهند کشید و چون دولت به‌دلیل موقعیت و ماهیت وجودی‌اش نمی‌تواند دوش‌به‌دوش مجلس حرکت با رقابت کند، ناگزیر به وجه سنتی خود، یکی از وجوه اعتدال‌گرایان رجعت می‌کند و این شکافی بین دولت و مجلس و در نهایت بین مردم و دولت می‌اندازد. حضور حداکتری اصولگرایان در مجلس برای دولت کم‌خطرتر و حتی مفیدتر است. اصولگرایان نمایندگان ریزودرشتی دارند که می‌توانند آن را سازماندهی و روانه مجلس کنند. ولی چون تفکر آنها در اذهان مردم آسیبی جدی دیده، بعید است مباحثی آنان در مجلس به ضرر دولت تمام شود و شاید حتی به محبوبیت دولت نیز کمک کند. در تضاد میان مجلس و اصولگرایان و دولت، سیاستی خلق می‌شود که به‌نفع دولت است و مهم‌تر اینکه در مذاکرات هسته‌ای، نمایندگان اسلکار، اهرم فشار مناسبی برای دولت‌های غربی به‌حساب می‌آیند که روند مذاکرات را به‌نفع دولت روحانی تسریع می‌کنند. حتی اگر در زمان برگزاری انتخابات مجلس، تکلیف مذاکرات هسته‌ای روشن شده باشد، این احتمال می‌رود که بحث بر سر جزئیات و نحوه اجرای مفاد توافق تا مدتی طول بکشد.
اشتباه برای دولت یازدهم دست‌یافتن مجلس به نیروهای اعتدال‌گراست. تجربه مجالس دولت اصلاحات و اصولگرا نشان داده مجلس یک‌دست به‌نفع دولت نیست و گاه ضررش بیش از سودش است. اگر مجلس این‌گونه شکل بگیرد که کمیت مؤثر آن را اصلاح‌طلبان تشکیل بدهند یا هم‌زمنی مجلس باشند، دستیابی به مطالبات سیاسی مردم محتمل‌تر می‌شود. ترکیب مطلوب شاید این باشد که اعتدال‌یون بیشتر از اصلاح‌طلبان و کمتر از اصولگرایان باشند. اگر حداکثر مجلس دست اصولگرایان باشد، در آنتاگونیسمی که با دولت و اصلاح‌طلبان شکل می‌گیرد، سیاستی خلق می‌شود که به‌نفع دولت و اصلاح‌طلبان است. زیرا اصولا اصولگرایان با توجه به روند انتخابات پایگه مردمی ندارند و تا مدت‌ها با پس‌لرزه‌های لرزله احمدی‌نژاد دست‌به‌گریبایند. آنها اغلب در انتخابات بر مردم‌سازی تلاش می‌کنند. این دو واژه «پایگاه مردمی» و «مردم‌سازی» نیاز به توضیح بیشتری دارد که از حوصله این یادداشت خارج است. به همین‌قدر بسنده می‌کنم که «مردم‌سازی» یعنی ساختن و تهیج مردمی موقت برای رسیدن به اهداف انتخاباتی. باری شاید این توصیه جسورانه و پرخطر باشد که شاید باید مجلس را برای اصولگرایان وناهاد و چندان نباید از توفیق قطعی اصلاح‌طلبان در انتخابات پیش‌روی مجلس مطمئن بود. در برخی اوقات بهبودی تنها با خوردن ناگزیر درواوه‌ای تلخ میسر می‌شود.

اقتصاد

سالگرد مرحوم حسین عظیمی در مؤسسه دین و اقتصاد

اقتصاددانی متعارف بایک تفاوت



حسین عظیمی، مؤسس انجمن اقتصاددانی متعارف

عظیمی مانند یک اقتصاددان متعارف فکر می‌کرده اما یک تفاوت داشته است و آن اینکه برای پاسخ به سوالات، روشی را که این اقتصاددانان متعارف استفاده می‌کردند به کار نمی‌برده است. سؤال دیگری که ایجاد می‌شود، این است که چرا اقتصاددانی مانند عظیمی مقاله علمی- پژوهشی ندارد؛ مقاله علمی بسیار دارد اما مقاله علمی- پژوهشی ندارد. نمی‌توانم بپذیرم که او اهمیت این ژورنال را درک نمی‌کرده است

حسین عظیمی، مؤسس انجمن اقتصاددانی متعارف

من شخصاً، سن را در سال ۱۳۸۳ و با خواندن کتاب توسعه به‌مثابه آزادی شناختم و همیشه فکر می‌کردم این فرد به خاطر این کتاب نوبل گرفته، در حالی که این کتاب، زیربنای بسیاری از اندیشه‌های اوست. تمام آثار سن از یک روش‌شناسی خاص پیروی می‌کنند به این صورت که در ابتدا یک سؤال مطرح می‌شود، بعد از اینکه زمینه‌تئوریک فراهم شد، با استفاده از معادلات ریاضی و داده‌های آماری، موضوع بررسی و درنهایت، نتیجه‌گیری مرتبط با سؤال ارائه می‌شود. مینته نوبل به این دلیل به سن جایزه نوبل را اعطا می‌کند و در پایانه از کلمه آموزش استفاده نمی‌کند. موضوع مورد تأکید عظیمی بسیار مهم است و اصلا ضرورتی ندارد او را به «آمارتیا سن» تشبیه کنیم و اندیشه‌های عظیمی را بر اندیشه‌های «سن» سوار کنیم. به قول خود دکتر عظیمی: چه ضرورتی دارد که ما هر چیزی را که می‌خواهیم بگوئیم به دیگران وصل کنیم.

بحث دیگر این است که با نگاه به مقالات «سن» متوجه می‌شویم که روش‌شناسی متعارف علم اقتصاد در نگارش مقاله و کتاب، یک روش‌شناسی مشخص است که آن را در نوشته‌های اکثر بزرگان علم اقتصاد می‌بینیم. در مطالعه کتاب‌های حسین عظیمی هیچ‌گونه پاورقی و منبع و مآخذی ذکر نشده است. شاید افرادی که به او نزدیک بوده‌اند در این‌باره با عظیمی صحبت کرده باشند، اما من به عنوان فردی که قصد خواندن این کتاب را دارم به مسئله نگاه می‌کنم. در بسیاری از آثار عظیمی مباحثی بیان می‌شود که به مباحث دیگر اقتصاددانان شباهت زیادی دارد اما به علت عدم اشاره به منبع و مآخذ احتمالی، خواننده متوجه این مسئله نمی‌شود. البته یک مقاله در حوزه روش‌شناسی علم اقتصاد از عظیمی وجود دارد که استثناست اما در بقیه موارد از روش‌های ساختارمند مربوط به آمارتیا سن پیروی نمی‌کند.

نکته بعدی این است که در پرسش‌نامه مذکور، دانشجویان به تعریفی که دکتر عظیمی، از توسعه‌داشت ابراز علاقه کرده بودند. دکتر عظیمی تعاریف بسیاری از توسعه داشته است. بخشی از این تعاریف نشان‌دهنده ارتقای ذهنی و پیشرفت علمی اوست. برای همین دوباره به سراغ «سن» رفتم؛ «سن» تمام تعاریف و واژه‌های کلیدی خود را بر شانه‌های بزرگان علم اقتصاد سوار می‌کند اما عظیمی این کار را نمی‌کند و ریشه تعاریفی که دارد مشخص نیست مگر در مواردی که به تمدن اسلامی اشاره می‌کند؛ مثلاً می‌توان حدس زد که او کتاب راهبرهای توسعه اقتصادی امام موسی صدر را خوانده است.

سؤال دیگری که مطرح می‌شود، این است که آیا تعاریف ارائه‌شده توسط عظیمی در زمان خود به‌روز بوده‌اند یا نه. مثلاً تعاریفی که در دهه آخر زندگی مطرح می‌کند در همان سال‌ها توسط دیگر بزرگان علم اقتصاد نیز مطرح می‌شده است یا نه. من به سراغ گوئار میردال رفتم. یک

خرید کوپنی سهم «مبین»

شرق: هفتمین هفته معاملاتی بورس با کاهش ۵۱٫۶ درصدی حجم، ۳۸درصدی ارزش و ریزش۲۰۳٫۸ درصدی شاخص بورس برای یک ماه مکرر به پایان رسید. محسن قادری، تحلیلگر بازار سرمایه، در این رابطه به «شرق» گفت: حضور سازمان خصوصی‌سازی و صندوق‌های نفت بر سر بورس سایه انداخته و آنها منتظرند با مثبت‌شدن شاخص، عرضه‌های گسترده انجام دهند و نقدینگی را از بازار جمع کنند. قادری با اشاره به اینکه سازمان‌های دولتی قصد دارند از این طریق اقدام به جمع‌آوری نقدینگی مردم عادی از بازار کنند، افزود: در طول دو سال گذشته دولت از این طریق کسری خود را در حدودی جبران کرده است. وی با اشاره به روندی که از آن به‌عنوان «حاله‌بازی در بورس» یاد می‌کند، ادامه داد: در عرضه‌های پتروشیمی مبین، چندوقتی است که به کارگزاری‌ها اعلام شده تا از حجم مشخصی بیشتر خرید نکنند و اگر هم به این میزان خرید کردند، اجازه حذف آن را نخواهند داشت که از آن می‌توان به‌عنوان سهمیه‌بندی یا «کوپن» یاد کرد.

عنوان شاخص	۹ اردیبهشت	۱۶ اردیبهشت	تغییر
کل	۶۵۶۳۴۰۱	۶۴۵۶۹۰۱	۱۵۶۵-
۳۵ شرکت بزرگ	۳۰۲۵۰۲	۲۹۳۹۰۸	۸۵۴-
آزاد شناور	۷۵۸۲۸۰۷	۷۳۵۷۲۰۳	۲۲۵۶۴-
شاخص قیمت	۲۸۰۷۹۰۲	۲۷۴۰۹۰۷	۶۶۹۵-
شاخص کل (موزن)	۱۰۵۸۴۰۲	۹۹۲۵۰	۱۵۹۰۲-
شاخص قیمت (موزن)	۹۲۰۱۰۲	۹۰۵۶۶	۱۴۵۲-

شباهت بین این دو وجود دارد و یک تفاوت. هر دو به به موضوع توزیع درآمد علاقه‌مند هستند اما میردال در سطح جهانی و عظیمی در سطح ایران به این مسئله پرداخته‌اند.

نکته دیگری که به آن پرداختم، این بود که چرا عظیمی به زبان انگلیسی مطالب را منتشر نکرده است. البته من یادداشت‌هایی از دوستان و استادان نزدیک عظیمی خوانده‌ام که او می‌گفت باید این کار انجام شود اما به هر حال این کار را انجام نداده است؛ از زاویه دید فردی که به این قضیه نگاه می‌کند ممکن است این پاسخ محتمل باشد که شاید توانایی این کار را نداشته است.

اکثر نظرات توسعه‌ده در دهه ۱۳۷۰ بیان می‌شود مبتنی بر اقتصاد خرد و نظریه قراردادهاست. روش‌شناسی بیش از ۹۰ درصد مقالات بزرگان اقتصاد توسعه مشخص است اما در آثار عظیمی این روش‌شناسی به چشم نمی‌خورد. عظیمی از این ژورنال‌ها مطلع بوده و شاید آگاهانه نمی‌خواسته به این روش‌ها بنویسد. در نوشته‌های عظیمی، سوالات کلان و عمده هستند که برای توضیح هر سؤال دوباره تعداد زیادی سؤال مطرح می‌شود و پاسخ مشخصی برای اکثر آنها پیدا نمی‌شود. شاید این طرح شیوه نگارش باشد اما منظور من این است که شباهت سبک نگارش، با آن دسته نوشته‌های ژورنال رایج، کم است و شاید آگاهانه نمی‌خواسته است که بر اساس این روش‌شناسی بنویسد.

نکته بعدی این است که حسین عظیمی توسعه را از کدام منظر نگاه می‌کرده است. در مقاله‌ای از اقتصاددانان نهادگرا، نظریات توسعه اقتصادی به چهار دسته تقسیم شده است؛ دسته اول نظریاتی که توسعه اقتصادی را مبتنی بر جغرافیا می‌داند. دسته دوم توسعه‌یافتگی یا نیافتگی را به فرهنگ یا دین مرتبط می‌داند. طبق نظریه سوم، علت توسعه‌یافتن یا نیافتن یک کشور این است که دانش تخصیص بهینه منابع در آن کشور وجود داشته باشد یا نه. دسته چهارم اهمیت نهادهای سیاسی و اقتصادی برای توسعه را اتقرد قوی می‌داند که سه عامل جغرافیا، فرهنگ و دانش، تخصیص بهینه منابع را کم‌رنگ می‌کند. وقتی به تعاریف حسین عظیمی مراجعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم تعاریف او همه این موارد را دربر می‌گیرد. در یکی از تعاریف عظیمی از توسعه، ۱۵ نهاد برای توسعه مهم قلمداد می‌شوند که یکی از آنها دموکراسی است اما از دیگر سو مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که مشخص نمی‌شود چرا دموکراسی برای توسعه مهم است. گرچه می‌توان براساس شواهد به این اهمیت پی برد اما عظیمی برای مثال، کشورهایی که با دموکراسی توسعه یافته‌اند یا برعکس از توسعه بازمانده‌اند را ذکر نمی‌کند.

عظیمی فردی بود که همه این مسائل را در کتاب‌ها و مقالاتش آورده است، مثلاً حدود یک‌سوم وقت قفری خود را برای نوشتن بحث عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه صرف کرده اما هیچ‌وقت این موارد را با جنبش‌های عدالت‌خواه جهانی گره نزده است. بسیاری اوقات که مطالب او را می‌خوانیم، اصلاحاتی می‌بینیم که ذهن ما را متوجه اقتصاددانان مشهور می‌کند؛ مثلاً چندین‌بار عبارت اصل تفاوت در نوشته‌ها دیده می‌شود که جان رالز را به یاد می‌آورد چراکه این اصطلاح مختص جان رالز است. منظور این است که نمی‌توانیم بگوئیم عظیمی چگونه اقتصاددانی بوده و به‌عنوان نمونه در کدام دسته چپ‌گرا، راست‌گرا، معتدل یا متفکر آثارشیست قرار می‌گیرد. مثلاً به مسئله دستمزد کارگر و توزیع عادلانه دستمزد می‌پردازد اما مانند یک اقتصاددان چپ رادیکال این کار را انجام نمی‌دهد. از دیگر سو، عظیمی هیچ‌وقت در نوشته‌ها بر سوالات اقتصاد خرد متمرکز نمی‌شود و برای آنها پاسخ ارائه نمی‌کند پس دست‌راستی هم نیست. سؤالی که برای من پیش آمد این بود که پس عظیمی چه‌جور اقتصاددانی است. تنها پاسخی که پیدا کردم این بود که او کاملاً مانند یک اقتصاددان متعارف فکر می‌کرده اما یک تفاوت داشته است؛ (تندرو) به این سؤال بدهم، می‌گویم شاید عظیمی نمی‌توانسته چنین مقاله‌ای بنویسد، به همان دلیل که نمی‌خواسته از آن روش‌شناسی مرسوم پیروی کند؛ چون این روش‌ها، داده و سؤال مشخص می‌خواهند. البته بعضی از سؤالاتی که من مطرح کردم در نوشته‌های رسمی حسین عظیمی جوابی ندارد اما در نوشته‌هایی که مثلاً به عنوان استاد راهنمای پایان‌نامه بوده به این مسائل پرداخته است.

در آخر تأکید می‌کنم اگر کسی به اقتصاد ایران و اقتصاددانان ایرانی علاقه‌مند باشد و از عظیمی چشم‌پوشی کند در حقیقت بخشی از تاریخ اقتصاد توسعه و علم اقتصاد از ذهن او پنهان می‌ماند. قسمت عمده آنچه من در حوزه اقتصاد به زبان فارسی آموختم‌ام بی‌شک از استاد عظیمی بوده است و این سوالات فقط نقدی بر نوشته‌های حسین عظیمی است.

طلا بی‌قرار شد

شرق: بازارهای جهانی دیروز شاهد رفت‌وبرگشت‌های عجیب قیمت اونس طلا بودند؛ قیمت طلای جهانی دیروز در کمترین زمان، به قیمت هزارو۱۷۹دلارو ۹۰ سنت و در بیشترین زمان، به قیمت هزارو۱۸۹دلارو ۷۰ سنت به‌فروش رفت. قیمت دیروز این فلز زرد، نسبت به یک ماه گذشته، ۲۲دلارو ۸۰ سنت و نسبت به یک سال گذشته، ۱۰۵ دلار با کاهش همراه بوده است. به گزارش رویترز، افزایش ظرفیت اوراق قرضه در آمریکا و اروپا و نیز ابهام در افزایش نرخ بهره در آمریکا که منجر به کاهش سرمایه‌گذاری طلا شد، از مهم‌ترین دلایل کاهش قیمت جهانی این فلز زرد است. همچنین، اما بازار سکه و طلا نوسان خاصی نداشت؛ سکه در ابتدای معاملات، ۹۴۰ هزار تومان فروخته شد، اما اندکی بعد قیمت آن تا ۹۴۲ هزار تومان هم بالا آمد، ولی درنهایت هر سکه طرح جدید با نرخ ۹۴۱ هزار تومان، به معاملات خود پایان داد. مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه، در گفت‌وگو با «شرق» سایر سکه‌ها را هم کم‌نوسان و آرام توصیف کرد.

طلاو سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۴۱۰۰۰	↓
طرح قدیم	۹۴۰۰۰۰	↓
نیم‌سکه	۴۹۱۰۰۰	—
ربع‌سکه	۲۷۵۰۰۰	↑
گرمی	۱۸۲۰۰۰	↓
گرم ۱۸ عیار	۹۶۱۷۴	↓
اونس طلا (دلار)	۱۱۸۵	↓

خبر

مدیرکل امور اوپک وزارت نفت:

هزینه تولید نفت اوپک

زیر ۲۰دلاراست

● **ایستا:** مدیر امور اوپک و روابط با مجامع انرژی گفت: با توجه به پیش‌بینی‌ها مبنی بر افزایش تقاضا در بازار جهانی نفت، انتظار این است که قیمت نفت در بازار جهانی بین ۶۰ تا ۷۰ دلار در نوسان باشد. مهدی عسلی در حاشیه سومین روز بیستمین نمایشگاه بین‌المللی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی با اشاره به روند تغییرات قیمت نفت در یک ماه گذشته گفت: کاهش تولید نفت از منابع غیرمتعارف در آمریکا یکی از دلایل افزایش قیمت نفت در چند هفته اخیر بوده است، به گونه‌ای که قیمت نفت برنت به ۶۵ دلار برار هر بشکه نیز رسیده است. وی با اشاره به اینکه متوسط هزینه تولید نفت اوپک زیر ۲۰ دلار و هزینه تولید غیرمتعارف بیش از ۴۵ دلار است، افزود: با کاهش قیمت نفت، تعداد دکل‌های حفاری فعال در آمریکا به میزان ۵۰درصد کاهش یافت و به نوعی تولید نفت از منابع غیرمتعارف غیراقتصادی شد.

زنگنه:

توافقی باید شامل لغو همه

تحریم‌های بخش مالی و انرژی باشد

● **ایرنا:** «بیژن نامدار زنگنه»، وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران، روز پنجشنبه در سخنانی در اجلاس امنیت انرژی در پایتخت آلمان تأکید کرد هرگونه توافق هسته‌ای باید شامل لغو همه تحریم‌های مالی و انرژی باشد. زنگنه در سخنانی در اجلاس امنیت انرژی ۲۰۱۵ در برلین گفت: «لازم است همه تحریم‌های مالی و نفتی برداشته شود؛ مردم ما باید درک کنند زمان خصومت به پایان رسیده است». وی در ادامه تأکید کرد: آنچه پس از لغو تحریم‌ها اهمیت دارد این است که ما سهم خود از بازار جهانی را بار دیگر به دست آوریم. زنگنه افزود: «برای ایران به عنوان کشوری که سومین یا چهارمین ذخایر بزرگ نفت جهان را دارد، قابل قبول نیست به اندازه جمهوری آذربایجان نفت صادر کند». وزیر نفت کشورمان تصریح کرد تولید نفت ایران دست‌کم باید به سطح پیش از تحریم‌ها، یعنی چهارمیلیون بشکه در روز برسد. زنگنه خاطرنشان کرد: برای رسیدن به این هدف بین هفت تا هشت‌ماه و درنهایت برای رسیدن به سطح تولید پنج‌میلیون ۷۰۰ هزار بشکه در روز، به حدود سه سال زمان نیاز داریم. وی در ادامه به طرح‌های بزرگ برای احیا و نوسازی زیرساخت‌های انرژی ایران اشاره و اعلام کرد ایران قصد دارد تا سال ۲۰۲۲ مبلغ ۱۸۰ میلیارد دلار در این بخش سرمایه‌گذاری کند. زنگنه با تأکید بر اینکه ایران در حوزه انرژی همواره یک تأمین‌کننده قابل اعتماد بوده است، ابراز امیدواری کرد کشورمان بتواند به بازارهای جدید نفت و گاز در منطقه پیرامونی و نیز در آسیا و اروپا دسترسی پیدا کند. وی همچنین با بیان اینکه قیمت گاز در اروپا موجب می‌شود پروژه‌های زیرساختی مانند خط لوله به صرفه نباشد، اعلام کرد ترجیح ایران، انتقال گاز طبیعی مایع‌شده (ال. ان. جی) به اروپاست. وی افزود: ایجاد خط لوله از این منتفی نمی‌دانم، اما مشکلات زیادی در این خصوص وجود دارد و این گزینه اصلی ما نیست. زنگنه در پاسخ به پرسشی درباره پایین‌آمدن قیمت نفت، این موضوع را تا حدی ناشی از دلایل سیاسی دانست. وی در پاسخ به پرسش‌های مربوط به مباحث سیاسی نیز گفت نسبت به حصول توافق هسته‌ای تا ۳۰ ژوئن (۹ تیرماه) بسیار خوشبین است. زنگنه همچنین بر خواست و تمایل ایران برای داشتن روابط حسنه با تمام کشورها؛ ازجمله همسایگان عرب براساس اعتماد متقابل تأکید کرد.

سهم «آپل» در چین

بیشتر از آمریکاشد

- تسنیم:** یک کمپانی تحقیقات بازار اعلام کرده که

سهم اپل از بازار اروپا و چین روزبه‌روز در حال افزایش است. سهم چین از محصولات اپل هم‌اکنون بیشتر از آمریکا شده، درحالی‌که بازار فیلت‌های آمریکا از زمانی که آیفون ۶پلاس معرفی شد، چهار برابر رشد داشته است. سهم اپل در اولین فصل سال جاری میلادی در شهر چین به ۲۶۰ درصد نیز رسیده، درحالی‌که سهم آن در مت‌زمان مشابه سال ۲۰۱۴ حدود ۱۷۰٫۹ درصد بوده است. محقق ارشد این کمپانی تحقیقاتی گفته است اپل سهم گوشی‌های هوشمند خود را در پنج بازار بزرگ اروپا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا و اسپانیا افزایش داده است؛ سهم این قاره با ۱٫۸ درصد رشد به ۲۰۰٫۳ درصد رسیده است. تحقیقات می‌گوید یک‌سوم مشتریان جدید اپل از اندروید کوچ کرده‌اند، هم‌چنان این‌طور برآورد شده که آیفون‌های ۶ و ۶ پلاس برای مشتریان جدید، جذاب بوده و باعث شده به سمت برند اپل جذب شوند و اغلب این مشتریان نیز اندروید را کاملاً ترک گفته‌اند. آمار می‌گوید که ۲۵٫۶ درصد کاربران جدید IOS در بریتانیا از اندروید دست کشیده و به‌سمت این پلت‌فرم سیستم عاملی آمده‌اند. تمایز بین کاربران آمریکایی و اروپایی نیز در این است که آمریکایی‌ها بیشتر ترجیح می‌دهند گوشی‌هایی با نمایشگر بزرگ داشته باشند، به‌گونه‌ای که ظرف سه‌ماهه اول سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۲۱ درصد فروش گوشی‌های هوشمند مربوط به نمایشگرهای بزرگ‌تر از ۵٫۵ اینچ بوده است.